

دیپلمات‌ها



متعهد به پرداخت حق آبه ایران

شیرمحمدعباس استانکرای، معاون سیاسی وزارت خارجه حکومت سرپرستی افغانستان (طالبان) تاکید کرده است که امارت اسلامی متعهد به پرداخت حق آبه ایران مطابق معاهده سال ۱۳۵۱ است. معاون سیاسی وزیر خارجه طالبان به طلوع نیوز گفته است که در حال حاضر آب به اندازه رفع نیازمندی شهروندان افغانستان وجود دارد، نه مقداری که به سمت ایران رها شود. وی همچنین گفته است که مشخص است نسبت خشک‌سالی بر میزان بارش‌ها بیشتر است و اکثر اوقات باران برف نمی‌باشد، اگر آب هم باشد به اندازه نیست که به ایران رها شود و همین مقدار مشکلات خود افغانستان را پاسخگو نیست. شیرمحمد عباس استانکرای تاکید کرده که در صورت افزایش آب هلمند(هیرمند) و رفع چالش‌های شهروندان افغانستان در این زمینه، حق آبه ایران را پرداخت خواهند کرد. او همچنین در واکنش به انتقادهای برخی مقام‌های ایرانی درباره پرداخت آب می‌گوید که حکومت سرپرستی افغانستان هیچ‌گاه نمی‌خواهد روابط خود را با ایران به خاطر آب از بین ببرد. وی افزود: «آن‌ها بعضی اوقات سخنان تندی دارند، ما در مقابل این صحبت‌های تند چیزی نمی‌گوییم، تنه‌ای نمی‌گوییم که وقتی آب اضافه شود، به برداران ایرانی خود حق آبه را می‌دهیم.» اظهارات این مقام طالبان در حالی مطرح می‌شود که پیش از این، حسن کاظمی قمی، نماینده ویژه رئیس‌جمهور در امور افغانستان در گفت‌وگو با ایسنا، ابراز امیدواری کرد که در سال آبی جاری یعنی تا مهرماه شاهد وارد شدن آب از هیرمند به کشور باشیم. وی یادآور شد: مقامات طالبان از ابتدا مطرح کردند، متعهد به معاهده ۱۳۵۱ هستند. سال گذشته به دلیل بی‌توجهی که صورت گرفت بخش زیادی از سیلاب‌ها به یک منطقه سرازیر شد که یکی از دلایل آن به سد کمال‌خان برمی‌گردد. از نظر کارشناسان سدکمال‌خان یک سد انحرافی است که ظرفیت آن کم است و به‌گونه‌ای ساخته شده است که عمده آبی که از آن می‌آید، سیلاب است و گنجایش لازم را برای این حجم از سیلاب ندارد و به سمت منطقه شوره‌زار رها می‌شود. از طرفی درهای خروجی این سد در جایی قرار گرفته است که زمین رومهری آن در ارتفاع بالاتری قرار دارد.



تقویت روابط اقتصادی با آفریقا

معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه با تأکید بر اهتمام دولت سیزدهم به تقویت روابط اقتصادی با آفریقا گفت که وزارت خارجه و سفارتخانه‌های ایران به‌صورت جدی توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای این قاره را پیگیری می‌کنند. مهدی صفری، معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه در پی برگزاری نشست برخط با سفرای جمهوری اسلامی ایران در آفریقا، بر اهتمام دولت سیزدهم به تقویت روابط اقتصادی با کشورهای حوزه آفریقا و تلاش‌های دستگاه دیپلماسی برای کمک به تقویت روابط تجاری با این قاره تأکید کرد. وی گفت که محصولات غیرنفتی به‌ویژه در بخش دانش‌بنیان، دارو و تجهیزات و خدمات پزشکی، محصولات و تجهیزات غذایی، مصالح ساختمانی و خدمات فنی و مهندسی ظرفیت بالایی برای رشد صادرات به کشورهای آفریقایی دارند. معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت خارجه بر لزوم اصلاح نگاه‌ها به آفریقا و توجه به فرصت‌های متعدد موجود در این قاره برای اقتصاد ایران در زمینه‌های مختلف از جمله صدور انواع خدمات فنی و مهندسی و همکاری در زمینه ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اشاره کرد. وی افزود: وزارت امور خارجه و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در راستای حمایت از فعالان اقتصادی و شرکت‌های دارای ظرفیت صادرات کالا و خدمات فنی و مهندسی به‌طور جدی توسعه همه‌جانبه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای آفریقایی را پیگیری می‌کنند.

دولت خارج‌گرم و عضویت در آن دولت آنقدر شایع شده بود که یکی از همکارانم در دولت مشیرالدوله نزد من آمد و گفت کاری بکنید که من هم در این دولت وارد شوم. گفتم معذورم چون که خودم در این دولت شرکت نخواهم نمود.»

زمانی که طرفداران رضاخان در مجلس، قانون انحلال سلسله قاجار و انتصاب رضاخان را به‌عنوان شاه جدید پیشنهاد کردند مصدق با این استدلال که چنین اقدامی براندازی قانون اساسی ایران است، به‌چنین اقدامی رای منفی داد. او در مجلس سخنرانی کرد و از دستاوردهای رضاخان در مقام نخست‌وزیری تمجید کرد و در عین حال او را به احترام به قانون اساسی و ماندن در نخست‌وزیری تشویق کرد. مجلس، احمدشاه قاجار را خلع و رضاشاه را پادشاه جدید دولت شاهنشاهی ایران و اولین شاه خاندان پهلوی اعلام کرد. مصدق سپس به دلیل اختلاف‌نظر با رژیم جدید، از سیاست بازنشسته شد. زمانی که در سال ۱۳۲۰ رضاشاه توسط متفقین مجبور به کناره‌گیری به نفع پسرش محمدرضا پهلوی شد، مصدق بار دیگر به مجلس راه یافت. در این دوره موضوع واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی مطرح شده بود. شوروی پس از ترک اشغال ایران در سال ۱۳۲۵ از سوی احمد قوام وعده دریافت این امتیاز را کسب کرده بود اما طرح آن در مجلس با مخالفت‌های جدی روبه‌رو شد. مدافعان این واگذاری که هواداران شوروی بودند، به امتیاز مشابه برای بریتانیا در برخوردراری از حق استخراج و فروش نفت جنوب استناد کرده و از موازنه مثبت میان بریتانیا و شوروی دفاع می‌کردند. محمد مصدق با رهبری گروه کوچکی از نمایندگان مجلس که بعدها به جبهه ملی شهرت پیدا کرد طرح موازنه منفی یعنی سلب امتیاز از بریتانیا و امتیاز ندادن به شوروی را مطرح کرد. جبهه ملی به زودی نقش مهمی در مخالفت موفقیت‌آمیز با اعطای امتیاز نفت برای شمال ایران به اتحاد جماهیر شوروی ایفا کرد که مشابه امتیاز موجود بریتانیا در جنوب ایران بود. مصدق قدرت سیاسی قابل توجهی به دست آورد که عمدتاً براساس فراخوانش برای ملی کردن امتیاز و تأسیسات «شرکت نفت انگلیس و ایران» در ایران بود. در ۲۹ اسفند ۱۳۳۰ مجلس قانون ملی شدن نفت خود را تصویب کرد و قدرت مصدق به حدی افزایش یافت که محمدرضاشاه پهلوی مجبور شد او را به نخست‌وزیری منصوب کند. ملی شدن منجر به تشدید بحران در ایران، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی شد. مصدق و جبهه ملی بسیاری از حامیان، به‌ویژه در میان نخبگان داخلی و کشورهای خارجی را از خود دور کرد. بریتانیا به‌زودی به‌طور کامل از بازار نفت ایران خارج شد و مشکلات اقتصادی زمانی افزایش یافت که مصدق نتوانست به‌راحتی بازارهای نفتی جایگزین پیدا کند.

مبارزه مداوم برای کنترل دولت بین مصدق و شاه شکل گرفت. در مرداد ۱۳۳۲، زمانی که شاه قصد برکناری نخست‌وزیر را داشت، جمعیتی از طرفداران مصدق به خیابان‌ها ریختند و شاه را مجبور به ترک کشور کردند. اما در عرض چند روز، مخالفان مصدق با کودتای سازماندهی شده توسط آمریکا و بریتانیا، رژیم او را سرنگون کردند و شاه را به قدرت بازگرداندند. عملیات مخفی با نام «عملیات آژاکس» توسط سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا و آمریکا با کمک عناصر ایرانی، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت مصدق را سرنگون کرد. پس از کودتای در دادگاه نظامی به‌سه سال زندان محکوم شد. مصدق پس از گذراندن دوران محکومیت، در اقدامی غیرقانونی حتی با معیارهای خود رژیم شاه، او را تا زمان مرگش در ۱۴ اسفند ۱۳۴۶ به حبس خانگی در روستای احمدآباد مستوفی که خانواده‌اش در اختیار داشت، تبعید کرد. ایران حق حاکمیت اسمی بر تأسیسات نفتی خود را حفظ کرد، اما براساس توافقی که منعقد شد، درآمد‌های خود را با کنسرسیون بین‌المللی که تولید و بازاریابی را کنترل می‌کرد، ۵۰-۵۰ تقسیم کرد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شناسه آگهی: ۱۶۶۵۷۶۰

برابر برای شماره ۱۴۰۲/۱۰/۱۷-۱۴۰۲۶۰۳۱۰۰۰۴۰۱۳۳۶۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در ثبت اسناد و املاک بابل تصرفات مالکانه و بلامعارض آقای امین علیچانی فرزند حسین به شماره ملی ۲۰۶۱۰۲۳۳۳۰ صادره از بابل نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که ۱۰ سیراز ۲۴۰ سیر شش‌دانگ عرصه وقف می‌باشد به مساحت ۸۶/۴۰ مترمربع ۱۳۱/۲۵۱ اصلی و ۶ بخش ۶۰ بابل خریداری از عالیله پورمهدی گنجی معزز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورتی انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

سیدمهدی حسینی کریمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بابل

فراخوان آگهی مناقصه عمومی

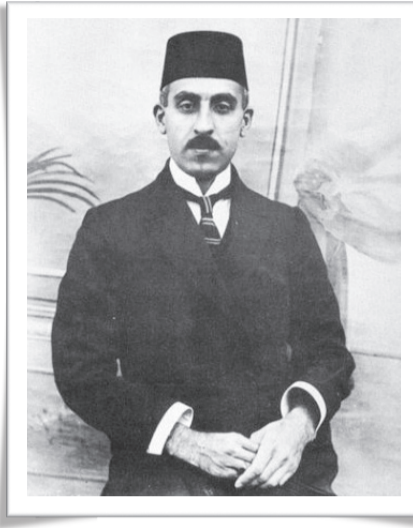
نوبت اول

شرکت گاز استان اصفهان، در نظر دارد جهت موضوع زیر، **موضوع: اجرای عملیات ساخت، نصب، جابه‌جایی و جمع‌آوری انشعاب فولادی، پلی‌اتیلن، پلی فولادی جمعا به تعداد ۱۵۵۸ انشعاب در شهرستان کاشان و نواحی تابعه** به شماره فراخوان (۲۰۶۰۹۱۱۳۸۰۰۰۰۹۹) مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(استاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی جهت شرکت در مناقصه را محقق سازند. لازم به ذکر است کد فراخوان در پایگاه ملی مناقصات ۵۳۱۶۶۸۷ می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: تا ساعت ۱۹:۰۰ روز ۱۴۰۳/۰۱/۰۷ می‌باشد.

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۹:۰۰ روز ۱۴۰۳/۰۱/۰۹ می‌باشد.

روابط عمومی شرکت گاز استان اصفهان



تینویچ لیانازوف سال ۱۲۶۱ قمری با داشتن انواع تسهیلات لازم ماهیگیری و حمل‌ونقل فروش آن در روسیه قدرت فراوانی در منطقه به دست آورده و روزبه‌روز قوی‌تر می‌شد و حتی لقب مستشارالتجار پیدا کرد و در حاجی طرخان داورسند ماهی‌ها و خاویار ایران، غوغا برپا کرد در ایران هم، او و پسرش گئورگی لیانازوف اعتبار زیادی به دست آوردند و با امین السلطان قراردادهایی منعقد کردند. پس از تغییر رژیم روسیه و جنگ جهانی اول دولت کمونیستی ضبط اموال لیانازوف، تجارخانه و فعالیت‌های آن را هم اعلام کرد و از آن زمان دولت ایران با یک دولت جدید روبه‌رو شد. دکتر مصدق به‌عنوان وزیر امور خارجه ایران بیان کرد که «به زودی پروتکلی بین وزارت خارجه و سفارت روسیه در ایران منعقد خواهد شد» و در مذاکرات سال ۱۳۰۴ مجلس گفت‌وگوها در این زمینه آمده است. سیدحسن مدرس در مجلس شورای ملی در این باره گفته است: «گمان من این است ما هر چیزی را نمی‌توانیم با دیگران شریک شویم؛ به‌خصوص شیلات که ماهی‌ها مال ما، رودخانه‌های ما مال ما، کلیه‌اش اصلاً مال ما، آدم هم داریم این جور چیزها را بیاییم اجاره دهیم یا اجازه بدهیم، صحیح و مقتضی نیست.» دکتر مصدق قصد داشت پس از پایان قرارداد لیانازوف، معامله را به کلی لغو کند اما با قدرت‌گیری رضاخان و نقش شوروی برای حمایت از سلطنت وی به بهانه «پیروزی بورژوازی ملی بر فئودالیسم پوسیده قرون وسطایی» در مجلس ششم با سفر مستوفی‌الممالک و مشاورالممالک انصاری برای مذاکرات در مسکو، سرانجام در سال ۱۳۰۶ قراردادی منعقد شد که شیلات ایران را ۲۵ سال در دست روسیه قرار داد.

مصدق در دوران پهلوی

در این دوره که دکتر مصدق پس از وزارت خارجه به نمایندگی مجلس بازگشت و رضاخان سردار سپه وزارت جنگ را بر عهده داشت و با دکتر مصدق هم روابط خوبی برقرار کرده بود و هم‌زمان شهرت یافته بود که وزیر جنگ می‌خواهد کابینه تشکیل بدهد و خود علاوه بر وزارت جنگ رئیس‌الوزراء کشور شود. دکتر مصدق خود نوشته است: «هنوز دولت تشکیل نشده بود که سردار سپه مرا خواست و گفت شما هم در این دولت باید شرکت کنید که من به سکوت گذرانیدم و بعد شخصی که با سفارت انگلیس ارتباط داشت نزد من آمد و راجع به شرکتیم در آن دولت مذاکره نمود، گفتم نظر به اینکه این دولت مدتی دوام خواهد کرد و من باید در مجلس انجام وظیفه کنم زبینه نیست برای مدت کوتاهی وارد شوم و بعد از

همه فشارها حاضر نشد با آرمیتاز اسمیت مستشار انگلیسی مالیه همکاری کند و به کار او پایان داد، در وزارت خارجه نیز قطع دست دخالت خارجی به ویژه بریتانیا را در اولویت قرار داد. مصدق با خواسته انگلیسی‌ها برای دو میلیون لیره که مدعی بودند برای ایجاد پلیس جنوب خرج کرده‌اند به‌شدت مخالفت و به حضور آنان در جزیره شعیب و ابوموسی اعتراض کرد. دوره وزارت امور خارجه دکتر مصدق هر چند کوتاه بود اما رویدادهای متعددی طی آن رخ داد.

دکتر مصدق در دوره والی‌گری خود در آذربایجان، قانون کاپیتولاسیون را در باره اتباع روسیه اجراء نکرده بود و در دوره وزارتش مورد اعتراض شاسیانسکی وزیر مختار جدید اتحاد شوروی قرار گرفت. دکتر مصدق در این زمینه نوشته است: «وزیر مختار می‌خواهد با من در اینکه در تبریز نسبت به اجرای کاپیتولاسیون مخالفت کرده بودم، تفریح حساب کند که بر حسب اتفاق مستمسکی هم به دست آورده بود و این بود که عده‌ای از علما با قانون مجازات عرفی که حکومت وثوق‌الدوله تصویب کرده به‌موقع اجراء گذارده بود مخالفت کردند و آن را از کار انداختند. وزیر مختار ضمن یک‌نامه از من سوال نمود شما که می‌خواهید ما از رژیم کاپیتولاسیون استفاده نکنیم خوب است بفرمایید اتباع ما در ایران طبق چه قانونی باید مجازات شوند؟ که این حرف جواب نداشت چنانچه قنصول روس هم در تبریز این سوال را کرده بود. قانون مجازات عمومی را دولت تصویب کرده بود و قدرت قانونی نداشت و ما را برای جواب دچار اشکال می‌نمود. نامه را طبق اصول به وزارت دادگستری فرستادم که چون نتوانستند جوابی بدهند، به نامه سفارت شوروی جوابی داده نشد.»

طمع سرپرستی لورن، وزیر مختار بریتانیای کبیر در اولین روزهای تصدی وزارت امور خارجه، میرزا محمد قلیخان منتخب‌الملک (رئیس اداره انگلیس) نامه‌ای به دکتر مصدق نشان داد که آن نامه از طرف سرپرستی لورن به مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء نوشته شده بود و مضمون آن این بود که جزایر ابوموسی و شیخ شعیب واقع در خلیج فارس متعلق به ایران نیست و نظامیان بر خلاف حق در آنها دخالت می‌کنند.

مستوفی‌الممالک در حاشیه این نامه نوشته بود «ضبط شود» منتخب‌الملک از دکتر مصدق می‌پرسد به این نامه باید جوابی داده شود یا آن را بدون جواب بگذاریم. دکتر مصدق نوشته است: «گفتم قبل از ملاحظه پرونده نمی‌توانم در این باب نظری اظهار کنم و بعد که پرونده را دیدم و معلوم شد جزایر مزبور ملک غیر قابل تردید ایران است، موضوع را در هیئت وزیران مطرح کردم که در صورت جلسات نوشته شد. سپس به نامه وزیر مختار جواب دادم و چند بار هم با او مذاکرات شفاهی نمودم.»

موضوع دیگری که باز سرپرستی آن را مطرح ساخته بود، مسئله کشتیرانی در دریایچه اورمیه است. امتیاز این امر در دریایچه داخلی ایران در دست شخصی به نام استیونس تبعه انگلیس بود و حکومت مصمصام السلطنه آن امتیاز را همانند امتیاز شیلات دریای مازندران لغو کرده بود. دکتر مصدق توضیح می‌دهد: «بعد یکی از وزرای خارجه به وسیله یک نامه در جواب سفارت انگلیس آن را احیاء نموده بود که به استناد همان نامه سفارت انگلیس به‌عنوان حمایت از تبعه خود با دولت‌ها مکاتبه می‌نمود... سرپرستی لورن نامه‌ای به رئیس دولت نوشت که آن را در هیئت‌وزیران مطرح نمود و نتیجه این شد که ادامه این امتیاز در دست تبعه انگلیس دور از مصلحت و ممکن است به تشکیل یک دولت گرد در آن حدود کمک بکنند. بنابراین خوب است به‌عنوان غرامت و جچی داده شود که دعوا خاتمه یابد و به حداکثر ۳۵۰ هزار تومان تعیین گردید و چنین قرار شد که من با وزیر مختار انگلیس مذاکره کنم و هر قدر ممکن باشد از آن بکاهم. این کار شد و او هم با استیونس مذاکره نمود و آن را به ۳۲۰ هزار تومان قطع کرد که بعد دولت از کار کناره نمود و دولت سردار سپه لایحه آن را تنظیم و به مجلس پیشنهاد کرد.»

کشتی‌های مسافرتی روسی در دریای مازندران همواره مسافران را در بنادر جنوبی دریا نقل و انتقال می‌داد و تمامی آنان برای چنین مسافرتی باید تذکره دریافت می‌کردند. به دستور دکتر مصدق به دلیل تعلق بندر انزلی و بندر استرآباد (بندر ترکمن کنونی) به ایران، چون ایرانیان از یک شهر ایرانی به شهر دیگر ایران مسافرت می‌کنند لزومی ندارد که پاسپورت و روایید داشته باشند، آنان در سرزمین و آب‌های دریایی خود آمد و شد می‌کنند به همین دلیل داشتن پاسپورت و مقررات ارائه آن لغو گردید.

رویداد دیگری که دکتر مصدق با آن روبه‌رو شد مسئله پرطول و تفصیل شیلات ایران در دریای مازندران است. به موجب فصل پنجم قرارداد تحمیلی ترکمنچای کشتی‌های روس می‌توانستند مال‌التجاره خود را تا مرداب انزلی برسانند اما بر پایه ماده هشتم عهدنامه مزبور روسیه از داشتن کشتی‌های جنگی در آن دریا محروم شناخته شده بود؛ هر چند با داشتن قدرت و سلطه‌گری کشتی‌های جنگی آنان هم در بندر انزلی لنگر می‌انداختند. با آنکه حاج‌میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه قاجار به این امر رضایت داده بود اما در دوره زمامداری میرزاتیق‌خان امیرکبیر مواظبت بیشتری به عمل آمد. دفاع از سواحل دریای مازندران پس از قتل امیرکبیر در دوره میرزا قاجان ثوری به عنوانی مختلف مانند ساختن بیمارخانه و... روس‌ها در سواحل دریای مازندران سلطه یافتند و به شیوه‌های گوناگون از دریاییگان و حاکمان ایرانی امتیازهایی دریافت کردند. یکی از اتباع روس به نام استیان فار